

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی- پژوهشی

سال یازدهم- شماره چهارم- زمستان ۱۳۹۷- شماره پیاپی ۴۲

تحلیلی بر تنوع قصه‌های عامیانه فارسی و روسی

(ص ۳۵۱ - ۳۷۰)

آلینا ایواشچنکو^۱، حمیرا زمرّدی^۲ (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت مقاله: پاییز ۹۶

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: پاییز ۹۶

چکیده

هدف از این مقاله بررسی مقایسه‌ای و تحلیلی از تنوع قصه‌های فارسی و روسی است. ما در این نوشتار در صدد جستجوی معنایی پیرامون انواع قصه‌های فارسی و روسی و وجوه تشابه و افتراق آن بوده و از این طریق در راستای کشف حقایق جدیدی از این نوع قصه‌ها در مقاطع تاریخی و چگونگی شکل‌گیری فرازهای مهم آن می‌باشیم. انواع قصه‌های ایرانی و اسلاوی (روسی) مبتنی بر داستانهای اساطیر و قصه‌های پندآموز و حکیمانه برخاسته از فرهنگ غنی و تمدنهای انسانی و اخلاقی، ملل و اقوام مختلف، دیباچه‌ها را فرا روی ملتهای ایران و روس بطور خاص و جهان بطور عام گشوده است. همچنین ما در این نگارش به تحلیل ویژگیهای مشترک قصه‌های روسی و ایرانی بر اساس کتابهای و. پراپ، پژوهشگر برجسته روس تبار همچون "ریخت‌شناسی قصه‌های پریان" می‌پردازیم و زمینه تحقیقات بیشتر را در خصوص ادبیات فولکلوریک که تاکنون در پژوهشهای ادبی مورد بی‌توجهی قرار گرفته است و تقریباً فقط خاورشناسان اروپایی و بویژه روسی (اسلاوی) در گردآوری آثار فولکلوریک فارسی برخی پژوهش انجام شده جزئی داشته‌اند را فزونی می‌بخشیم و در پرتو رشد و خودآگاهی همگانی، موجبات افزایش پژوهشهای فولکلوریک در ایران را فراهم سازیم.

کلمات کلیدی: قصه عامیانه، قصه فارسی، قصه روسی، فولکلوریک، طبقه بندی.

^۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران (alin88a@mail.ru)

^۲- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران (zomorodi@ut.ac.ir)

۱- مقدمه

قصه به گونه‌های متنوع از روایتها که بخش اصلی ادبیات شفاهی ملل و اقوام را شامل گشته و می‌گردد، را گویند، انواع قصه‌های ایرانی و اسلاوی (روسی) مبتنی بر داستانهای روزمره، اساطیر و قصه‌های پندآموز و حکیمانه برخاسته از فرهنگ غنی و تمدنهای انسانی و اخلاقی، ملل و اقوام مختلف، دیباچه‌ها را فرا روی ملتهای ایران و روس بطور خاص و جهان بطور عام گشوده و می‌گشاید.

داستانها و قصه‌های متنوع برخاسته از اعتقادات و افسانه‌ها در قدیم، بیانگر طرز زندگی مشترک ایرانیان و اقوام اسلاوی باستان می‌باشند، از جمله نیروی طبیعت تجلی یافته در رویدادهای پرندگان و جانوران آسمانی، افسون و آداب و رسوم، معماهای مرموز، رؤیاها و فال‌ها، همه پدیده‌هایی به منزله انگیزه‌های ترویج داستان‌های حماسی و پندآموز را آشکار مینماید.

و نهایتاً ما از طریق این واکاهی در دنیای قصه‌های بی‌پایان و غنی در صدد فزونی دادن یافته‌های تاریخی و خردورزانه برای ارتقای جایگاه ادبیان، اساتید و دانش پژوهشان ملل خود بوده و هستیم تا از طریق ارزشهای مشترک و شناخت بیشتر گنجینه قصه‌های برآمده از دل، ذهن، ادبیات، تاریخ و فرهنگ و میراث معنوی مردمان دو قلمرو خویش، بتوانیم بهترین صفات قهرمانان را شناسایی نموده و در عین حال، برترین خصوصیات را برای شنوندگان و خوانندگان بخصوص تربیت کودکان و نسلهای امروزی و فردایی خود را از خلال قصه‌ها با سیمایها و تصاویری جذاب و ادبیات پرمعنا، غنای اوهام و خیالات پایان ناپذیر؛ همگان را از این موائد آسمانی و گوهر بار بهره مند سازیم.

۲- روش پژوهش

در این تحقیق از روش اسنادی و کتابخانه‌ای و گردآوری اطلاعات استفاده شده و اطلاعات پردازش و تجزیه و تحلیل شده است. روش بررسی در این مقاله شیوه تحلیلی و تطبیقی است. البته شیوه کار در زمینه تحلیل این داستانها، مبتنی بر مطالعه دقیق قصه‌های انتخاب شده و فیش برداری از قسمتهای مربوط به عناصر سازنده داستان - بن مایه، شخصیت پرداز و ویژگی‌های زبانی آنها است.

۳- اهمیت پژوهش

مطالعات پیرامون بررسی تطبیقی و تفصیلی قصه‌های فارسی و روسی هنوز گام‌های بلندی را تا نیل به هدف‌های متعالی می‌بایست طی نماید و چراکه با شناخت همه جانبه و

محتوایی، انواع قصه ها و سیر و روند تکوین آنها، میتوان به بسیاری از لایه های ناشناخته و نهان قصه ها و روایتها پی برد و بدین وسیله دستاوردهای جدید ادبی و معنوی را از گنجینه غنی و سراسر معنا و مفهوم در تاریخ ادبیات قصه ها، ذخایر مهر شده را فرا روی نسلهای آینده ملل فارس زبان و اسلاو زبان فراهم ساخت.

۴- پیشینه پژوهش

در کتابهای پژوهشگران و گردآورندگان ایرانی، روسی و حتی غربی قصه های زیادی جمع آوری شده اند و نقش داستانها و همگونی قصه ها در تعاملات فرهنگی و ادبی جهان امروز بطور بارزی نمایان میباشد که در این میان، گردآورندگان ایرانی همچون صادق هدایت، ابوالقاسم انجوی شیرازی (۱۳۰۰-۱۳۷۲ ق.)، فضل الله صبحی (۱۲۷۶-۱۳۴۱ ق.)، حسین کوهی کرمانی (۱۲۷۶-۱۳۳۷/۱۳۳۸ ق.)، امیر قلی امینی (۱۲۷۶-۱۳۵۷ ق.) و گردآورندگان روسی آ. ن. آفاناسیف، ن. ی. انچوکوف، ا. آ. خودیاکوف، ا. و کارنائوخوا در ارتقاء و تبیین قصه ها، سهم زیادی داشته اند.

پژوهشگران ایرانی و روسی (اسلاوی) در هنگام تحلیل و تجزیه قصه ها بگونه متمایز و با طبقه بندی انواع قصه ها، شخصیت پردازیها، توصیف زمان و مکان، پیام و شیوه آرایه پیام داستان، زبان، گفت و گو، تکرار، تک خطی بودن قصه ها را بیان داشته که میتواند، الگوی مناسبی برای مقایسه بین قصه های ملل دیگر بکار رفته و زمینه ساز تعالی قصه ها را در جوامع و ملل فارسی زبان و اسلاو زبان را متبلور سازد. گذشته از این، در اینجا میتوان اسم پژوهشگر برجسته روسی و. ی. پراپ را بعنوان مؤلف و بنیانگذار روش تطبیقی و گونه شناسی در مطالعات فرهنگ عامه و یکی از بنیانگذاران نظریه مدرن متون تاریخی به شمار آورد که این محقق از طریق ارائه تجزیه و تحلیلهای ساختگرایانه اش از قصه های عامیانه روسیه و تفکیک سی و یک کارکرد ویژه در بین همه این قصه ها، در نهایت به اندیشه های پراپ در این باب، خصوصاً به دلیل کتاب "ریخت شناسی قصه های پریان" تأثیر عمیقی بر تحقیقات فولکلوریک در دانشگاههای غرب بر جای گذاشت و این کتاب مبانی روشی به نام روش پراپ مبتنی بر مطالعه، مقایسه و تفکیک مضامین قصه ها، را بنیانگذاری نمود.

۵- انواع قصه های عامیانه فارسی

جمال میرصادقی قصه عامیانه را اینطور تعریف میکند: «منظور من از قصه های عامیانه، قصه هایی است که مخاطب آنها در گذشته اغلب توده های عوام بوده اند که غالباً سواد خواندن و نوشتن نداشته اند و عمدتاً به قصه نقلان و قصه گوین گوشت میداده اند و تحقق

آرزوها و امیدهای خود را در آنها میدیده‌اند و شاید به همین دلیل، وجه تسمیۀ عامیانه را به این نوع قصه‌ها اطلاق نمودند» (عناصر داستان، ج ۳، ص ۱۰۱).

«قصه‌های عامیانه بهترین میراث قومی، ملی و مردمی برای بررسی مردم‌شناختی رخساره‌ها و چشم‌اندازهایی از فرهنگ جامعه هستند. در قصه‌های عامیانه، گویی تمامی تاریخ با فراز و فرود شگفت‌آور فرهنگی و اعتقادی آن ثبت میشود تا در بررسی ساختاری اعتقادات و باورهای مردمی بکار آید» (افسانه زندگان، ج ۱، ص ۱۹).

«اهمیت ویژه قصه‌های عامیانه بعنوان منابع فراوان برای مطالعه تاریخ، زبان‌شناسی و مردم‌شناسی مدت‌متمادی شناخته شده بود و از طریق با استعدادترین دانشمندان آلمانی نماد قصه‌ها استحکام بخشیده شد. آنها فرصت کردند نه فقط تمام قصه‌ها و افسانه‌ها را گردآوری کنند بلکه در ادبیات آلمانی تقریباً همه چیز را که میان اقوام دیگری در این زمینه منتشر شده بود، در ترجمه‌های بسیار خوب نگاشته شده است. البته در هیچ جایی اینقدر توجه جدی به آثار ادبیات شفاهی مانند آلمان جلب نشده بود و در این رابطه خدمات بزرگ دانشمندان آلمانی برجسته میباید، شایان ذکر است که این اثر بارز در قصه‌ها به نفع مردم برای ملل دیگر نمونه چشمگیری برجای گذاشت» (قصه‌های ایرانی، ج ۱، ص ۲۰-۲۱).

«اورلیش مارزلف^۱ فولکلورشناس آلمانی قصه‌های عامیانه ایرانی را از نظر مضمون به ترتیب زیر تقسیم بندی میکند:

الف) قصه‌های حیوانات؛

ب) قصه‌های سحر و جادویی؛

ج) قصه‌های مقدسین و قصه‌های تاریخی؛

د) قصه‌هایی با جنبه‌های داستان کوتاه؛

ه) قصه‌های خنده‌دار و لطیفه‌ها؛

و) قصه‌های مسلسل و دنباله‌رو» (فرهنگ افسانه‌های مردم ایران، ج ۱، ص ۳۲-۳۳).

۵-۱ قصه‌های حیوانات

«در این قصه‌ها، بیشترین سهم را روباه و گرگ و شیر دارند، در این قصه‌ها روباه، گرگ را وادار میکند که در کنار برکه‌ای در زمستان و یخ‌بندان، با دمش ماهی بگیرد، دم گرگ در آب یخ میزند و با هجوم روستاییان برای زدن گرگ، دم‌کنده میشود. در قصه‌های دیگر روباهی که در حادثه‌ای دم خود را از دست داده، باعث میشود که سایر روباهها نیز بی دم

^۱ - Ulrich Marzolph (۱۹۵۴)

میشوند. در جای دیگر روباه در اثر صحبت کردن و باز کردن دهان خود، طعمه اش را از دست میدهد و در قصه ای روباه وانمود میکند که از گناهان خود پشیمان شده و قصد زیارت دارد و با پوشیدن لباس مبدل، دیگر جانوران را فریب میدهد و در ضمن سفر آنها را میخورد و اغلب در پایان ماجرا یکی از حیوانات از دست او میگریزد: همین طور در جای دیگر شیر در اثر تحریک روباه از بلندی کوه میجهد و میمیرد. در این قصه ها با حادثه های متفاوتی رو برو میشویم: سگی در حالی که استخوانی در دهان دارد با دیدن تصویر خود در آب فریب میخورد. با پریدن در آب طعمه اولیه را هم از دست میدهد. روباه گرگ را به دام میاندازد و طعمه او را میرباید» (همان، ص ۳۳).

۵-۲- قصه های جادویی

«ساختار کلی قصه های جادویی، همانند بسیاری دیگر از روایت های منثور شفاهی، چنان است که با بروز مشکلی یا پی بردن به فقدان چیزی، قهرمان داستان برای کارسازی مشکل یا رفع کمبود به راه میافتد. در زنجیره رخدادهایی که پس از آن در جریان روایت پیش میآید، از جمله مبارزه با دشمنی شریر یا دیوی سهمگین، تعقیب و گریز، یا انجام دادن کاری دشوار و غیرممکن، همواره یک عنصر کمکی و یاری دهنده دیده میشود که به نوعی قهرمان را حمایت و مشکل را کارسازی میکند. در معدودی از قصه ها این یاری و حمایت جنبه جادویی و ماورایی ندارد و عوامل سحرآمیز در سایر رویدادهای روایت نقش آفرینی میکنند؛ مثلاً پیرمردی در راه با قهرمان ملاقات میکند و راه و چاره را به او نشان میدهد و میگوید که چگونه میتوان از خطر نجات یافت و به هدف رسید ولی هیچ ابزار جادویی به او نمی دهد. در تعداد اندکی از این قصه ها نیز قهرمان خود به تنهایی و به یاری هوش و ذکاوت یا نیروی جسمانی خویش بر مشکل غلبه میکند. ولی در سایر موارد قهرمان یا از کسی وسایل سحرآمیز را دریافت میکند یا از کمک یاریگران برخوردار میشود که نیروهای خارق العاده و مافوق انسانی دارند» (ریخت شناسی افسانه های جادویی، ص ۳۵).

در قصه های ایرانی در برخی موارد یاری کننده و عامل جادو یکی است: کره اسب جادویی که هم یاور قهرمان است و هم خود یک حیوان سحرآمیز است، قهرمان را بر پشت خویش سوار و در آسمان پرواز میکند (افسانه کره سیاه، ص ۳۰۴).

به نوشته ولادیمیر پراپ در کتاب "ریخت شناسی قصه های پریان"، ساختار این افسانه ها چنان است که پس از بروز مشکل، قهرمان خانه را ترک و در راه به صورت تصادفی با بخشنده یا یاری کننده ملاقات می کند و از او کمک میگیرد (ریخت شناسی قصه های پریان؛ ص ۸۵).

«در قصه‌های ایرانی همیشه وضع به این صورت نیست. گاهی قهرمان پیش از رخ دادن مشکل و فاجعه، با یاری‌کننده برخورد میکند و ابزار سحرآمیز را از او میگیرد و مدتی بعد از این ملاقات، مشکل رخ مینماید: پسر کوچک به وصیت پدر، سه شب بر سر قبر او پاسبانی میدهد و سه اسب پریزاد به دست می‌آورد. این اسبها با قدرتهای جادویی خویش بعداً در حل معماهای شاهزاده خانم به پسر کمک میکنند (ملک محمد که نقاص برادرانش را گرفت، تیپ ۵۳۰). گاهی نیز عامل جادویی متعلق به قهرمان یا در خانه او است، او را از خطرهای آگاهاند و در رفع گرفتاری یاریش میدهد: پادشاه با باز دست آموز خویش به شکار میرود، باز او را از خوردن آبی که با خود اژدها زهرآلود شده منع میکند (خنده ماهی، ۸۷۵ D)» (ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی‌ریال ص ۵۰). در اینجا دیگر انواع قصه‌های را بررسی میکنیم:

۵-۳- قصه‌هایی که مانند داستان کوتاهاند

«در این قصه‌ها که اغلب ساختاری شبیه به داستان کوتاه دارند، بین قهرمانان قصه بر سر تصاحب شاهزاده خانم، مسابقه دروغبافی برقرار میشود که هرکس دروغ بزرگتری بگوید، در این مسابقه برنده است. برخی از این دروغها چنین است: تخم خربوزه ای کاشتم و خربوزه ای به دست آوردم که چهار الاغ نمی‌توانستند آن را حمل کنند. گنجشکی شکار کردم که یک روستا را با آن ابگوشت دادم و سیر کردم. در بسیاری از این قصه‌ها راه رسیدن به شاهزاده خانم توسل به فریب و نیرنگ است. اغلب مشکلات با زیرکی و زرنگی حل میشوند» (فرهنگ افسانه‌های مردم ایران، ج ۱، ص ۱۳-۳۴).

۵-۴- قصه‌های مربوط به اولیاء و مقدسین و قصه‌های تاریخی

«در این قصه‌ها، آرزوها و خواسته‌های مردم فقیر توسط مقدسین و اولیاء برآورده میشود. به وساطت حضرت موسی خداوند سه آرزوی خانواده خارکن پیر را برآورده میکند؛ اما عاقبت مرد آرزو میکند که همه چیز مثل سابق بشود. در اغلب این قصه‌ها پول مایه بدبختی است. طلا، مرگ و نابودی همراه می‌آورد. به آرزو و مراد خود رسیدن، باعث سردرگمی و ناراحتی میشود و ناچار علاقه به بازگشت به موقعیت قبلی خواسته میشود. مردی که عهد کرده اگر به مرادش رسید، نذری بدهد، پس از کامیابی، نذر خود را فراموش میکند و در اثر حادثه‌ای به یاد نذر خود می‌افتد. نی لبک راز جنایتی را فاش میکند و جنایتکار به سزای خود میرسد. طمعکاری باعث نابودی فرد حریص میشود. گاه و بیگاه حضرت خضر در راه افراد نیکوکار و

خوشقلبی که دچار گرفتاری شده اند، ظاهر میشود و مشکل آنان را می‌گشاید» (همان، ص ۳۴-۳۵).

۵-۵- قصه های دیو ابله

«قصه های این بخش، اغلب بر محور شخصی مظلوم می‌گردد که در اثر بیکاری به دست کارفرمای ظالمی می افتد و کارفرما از او کارهای شاق و معماوار می‌خواهد مثلاً: طوری نان را بخور که دور آن دست نخورد، طوری ماست از کوزه بخور که پوست روی آن برداشته نشود. اگر این کارها انجام نشود کارفرما، مرد مظلوم را مجازات میکند، اما همیشه کسی هست که انتقام بگیرد و اغلب کارها و وظایف مشکل را با حيله انجام بدهد؛ بخشی از این قصه ها درباره مسابقه های مختلف بین دیو و قهرمان قصه است. مسابقه سنگ پرانی، مسابقه دو که با تقلب برده میشود، مسابقه پرخوری و از این قبیل. دیو می‌خواهد قهرمان قصه را بکشد، اما او در رختخواب خود نمی‌خوابد و مشک یا بالش یا وسایل دیگری در رختخواب خود می‌گذارد» (همان، ص ۳۵).

۵-۶- قصه های شوخی

«قصه های این بخش معمولاً شاد و خنده آور هستند. آنچه در این قصه ها باعث خنده و تفریح میشود، کودنی، بلاهت و کارهای غیرمتعارف و غیرمعمول است. مردی ابله در دکانی غذا می‌خورد و پول ندارد. او را وارونه بر خری سوار میکنند و در ده میگردانند. زنی کودن برای سفیدبخت کردن فروشنده صابون، به او میگوید که باید با صابونهایت خیابان را فرش کنی. اغلب دست یا سر کسی در کوزه گیر میکند. عروس دراز از در حجله عبور نمیکند و می‌خواهند پاهای او را ببرند. مردی سیگار میکشد و ابلهی به خیال آن که دارد آتش میگیرد، بر سر مرد آب میریزد. مسابقه سکوت نیز یکی از مضامین این نوع قصه هاست. در این قصه هرکس سکوت خود را بشکند باید کار سختی انجام بدهد و در اثر سکوت دو طرف، اغلب خساراتی به بار می‌آید، مثلاً دزد خانه را میزند. قصه مرد سه زنه و حيله زنان و ماجراهای آنها نیز از مضامین این نوع قصه هاست. آمدن پیکی از دوزخ، حاضر جوابیهای مختلف، رمالان دروغین و از دیگر قصه های این بخش است» (همان، ص ۳۵-۳۶).

۵-۷- قصه های زنجیره ای

«قصه ها یا افسانه های زنجیره ای آنگونه قصه هایی است که یک سری از علت و معلولها پشت سر هم و در جواب هم می‌آیند. اغلب آغاز این قصه ها با سؤالی نظیر "چرا این کار را نمیکنی؟" شروع میشود. مثلاً خار به پای گنجشکی فرو می‌رود. گنجشک می‌پرسد: «چرا

گوسفند مرا میخورد؟» و پرسش و پاسخ بطور زنجیره ای دنبال میشود تا به آخرین حلقه این زنجیر میرسیم که یک طرف دیگر برای پاسخ چیزی ندارد بگوید مگر این که: «دلم میخواهد این کار را بکنم».

این نوع قصه ها با مضامین مختلفی روایت شده اند. مثلاً عزاداری خاله سوسکه برای موش، عزاداری مورچه برای کک که سبب میشود سایر موجودات هم در این عزاداری شیون کنند و پر یا برگ یا تن خود را بسوزانند. سایر قصه هایی که در این ردیفند عبارتند از عروسی خاله سوسکه، موش پرخور، دعوای خروس و پیرزن، دعوای گنجشک و یخ، گربه ای که دمّش توسط پیرزنی بریده میشود و برای به دست آوردن دم خود، گربه ناچار باید یک سلسله حوادث زنجیروار را پشت سر بگذارد» (همان، ص ۳۶-۳۷).

۵-۸- قصه هایی که از آثار ادبی اقتباس شده اند

«ریشه برخی از افسانه های عامیانه ایرانی را میتوان در متون ادبی پیدا کرد. بیشترین این قبیل قصه ها از کتاب هزار و یک شب اقتباس شده اند، مانند افسانه ماهیگیری و دیو، علی بابا و چهل دزد، کره دریا، دزدان زیباییان خفته، از کتاب چهل طوطی نیز داستانهای شاهزاده خانم حيله گر، حيله در سوگند، زرگر حيله گر برداشته شده است. کتابهای دیگری که مورد استفاده قرار گرفته اند، عبارتند: حمزه نامه، جامع التمثیل و حسین کرد شبستری» (همان، ص ۳۶-۳۷).

۶- انواع قصه های عامیانه روسی

«اگر برای واژه قصه (به زبان روسی skazka) واژه های هم ریشه ای را انتخاب کنیم، سلسله واژه هایی تکوین مییابند که ماهیت معنایی آن واژه را میکشایند. بطور مثال ما در ادبیات روسی برای تبیین قصه واژه های متنوع را سراغ داریم شامل: قصه (skazka) - گفتن (skazivat) - حکایت کردن (rasskazivat). بنابراین برای نیل به تعریف جامعی؛ قصه را میتوان حکایت شفاهی پیرامون رخدادهایی دانست که برای شنونده جالب میباشد و در تعریف ادبای روسیه، بر اصالت واژه و مفهوم "skazka" تانی و تأملی بیشتری وجود دارد.

«قصه ها یکی از اجزاء و ارکان اصلی تشکیل دهنده ادبیات شفاهی است که برای خوانندگان جذابیت خاصی دارند، همواره آثار آن، غناء بخشیدن به نیازها و تأمین کننده همه گونه سلیقه ها بوده است، و در واقع موجبات زنده و پیشرو ساختن، ادبیات ملتها خواهد شد» (قصه اجتماعی روسی، ص ۱۳).

«در هنگام تعیین قصه به لحاظ ویژگیهای اساسی نوع، محققان به "سرگرم کنندگی" (فولکلور روسی؛ ص ۳)، «تخیل بودن محتوی" نسبت به قصه جادویی» (فولکلور روسی، ص ۲۹۲-۳۷۳؛ درباره طبقه بندی قصه های جادویی، ش ۲، ص ۵۷-۶۶) اشاره میکردند. آ. ا. نیکیفوروف^۱ قصه را اینگونه تعریف کرد: «قصه ها داستانهای شفاهی رایج در میان مردم با هدف سرگرمی، دارای محتوای مملو از رویدادهای فوق العاده (تخیلی، شگفت انگیز یا زندگی و متمایز با ساختار ویژه ترکیب و سبک هستند» (قصه، وجود و راویان قصه، ص ۷-۵۵).

«تلاشهایی در زمینه طبقه بندی قصه ها در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی بکار گرفته شد. ا. پ. ساخارف^۲ در مجموعه خود قصه ها را طبق سرشت قهرمانها تقسیم میکرد. در مجموعه های به قلم آفاناسیف^۳ قصه ها به سه گروه طبقه بندی گردیده است: قصه ها درباره حیوانات، قصه های جادویی و قصه های اجتماعی همراه با متون خاص افسانه آمیز بیان میشوند. تجربه طبقه بندی مذکور تاکنون در زمینه فولکلورشناسی در نظر گرفته میشود. در کتاب تألیف شده به قلم آلکسیووا^۴ در زمینه طبقه بندی متداول متون قصه ها به سه گروه تقسیم شده اند: قصه های جادویی، قصه ها درباره حیوانات و قصه های اجتماعی» (قصه های عامیانه روسی، ج ۱، ص ۱۳-۱۴).

در مجموعه پژوهشی بعنوان "قصه های عامیانه روسی" به قلم ودرنیکووا^۵ در میان سه نوع قصه های مذکور نوع فرعی نیز متبلور میشوند. بنابر این، طبقه بندی قصه های عامیانه روسی میتوان به شکل ذیل آورد (قصه عامیانه روسی، ص ۲۰، ۹۴):

- (۱) قصه های جادویی؛
- (۲) قصه ها درباره حیوانات؛
- (۳) قصه های اجتماعی؛
- (۴) قصه ها درباره پاسخهای خرددانه؛
- (۵) قصه ها درباره راهزنان و دزدها؛
- (۶) قصه های درباره کشیشها و اربابها؛
- (۷) قصه ها درباره تنبلها و احمقان؛

^۱ - A. I. Nikiforov;

^۲ - I. P. Sakharov;

^۳ - A. N. Afanasiyef

^۴ - O. B. Alekseeva;

^۵ - Vedernikova;

(۸) قصه‌ها درباره دلکها و شوخها.

۶-۱- قصه‌های جادویی

خود قصه‌های جادویی سبکی پیچیده است. آنها شامل قصه‌های قهرمانانه راجع به مبارزه با اژدها، پادشاه استخوانی جاوید و سوژه‌های جستجوی اشیای جادویی مانند گوزن زرین شاخ، مرغ افروزپر و داستان درباره نامادری و ناختری و غیره می‌باشد. «فضای ادبی قصه از فضای حقیق بطور متمایزی نمایان می‌گردد و در "سرزمین پادشاهی" متبلور می‌شود. این پادشاهی خیالی و مشروط است که نه تنها با واژه خاص "پادشاهی..." بیان شده است بلکه با اضافات رایج مربوط به دقت عمل کردن در موقعیت جغرافیایی، اما در واقع، فقط "خیالی بودن" آن را تأکید می‌کنند - "... در همانجا، مکانی مسطح مثل روی خروس" یا "...در مقابل آسمان روی زمین". فضای قصه دارای تقسیم بندی داخلی "پادشاهی خود و دیگر" می‌باشد. جنگل انبوه، رودخانه آتشین، دریا، پای کوه یا ته چاه عمیق نقش مرز پیدا می‌کنند. "پادشاهی دیگر" ماورای دریا، روی کوه بلند یا زیر زمین واقع شده است که از اینجا می‌توان تصورات ابتدایی در مورد پادشاهی مردگان یافت. این تقسیم بندی فضاء در همه قصه‌ها محسوس می‌شود، جنگلی که آنجا موروزکو^۱ (اسم پروردگار زمستان) و پادشاهی دریایی شاه دریایی و پادشاهی اژدهای از می گورینیچ^۲ نیز با "پادشاهی دیگر" ارتباط دارند. همان در پادشاهی دیگر، قهرمان زیر آزمایش اصلی قرار می‌گیرد و همسر خود را پیدا می‌کند و بخاطر او مبارزه می‌کند» (همان، ص ۳۷-۳۸). عبارت "پادشاهی دیگر" با "پادشاهی دوردست" مترادف است و آن پادشاهی هم به معنای پیدا کردن اشیای شگفت انگیز یا همسر است: "...در زمین دوردست، در پادشاهی دوردست جزیره وجود دارد و در آن جزیره گوزن زرین شاخ راه می‌رود..." (قصه‌های عامیانه روسی، ج ۲، ص ۵۰).

در اکثریت قصه‌های جادویی قهرمان دنبال موجودات شگفت انگیز می‌گردد: مرغ افروزپر^۳، اسب زرین یال، شاهبانوی پلنای زیبارو در زمین دوردست، پادشاهی دوردست روانه می‌شود؛ «آنجا غالباً قهرمان در قلمرو "پادشاهی زیرزمین" یا "پادشاهی دریایی" می‌افتد. سر راه او جنگل‌های انبوه، مراتع حفاظت شده، رودخانه‌های آتشین بوجود می‌آیند. به اشاره د. س. لیخاچیوف^۴، "فضاء در قصه مانع عمل نیست" در غیر این صورت، در قصه‌ها "مقاومت از

^۱ - Morozko

^۲ - Zmey Gorinich

^۳ - Zhar-Ptitsa

^۴ - D. S. Likhachiov

محیط" وجود ندارد. هر فاصله مانع فرایند قصه نیست. آنها فقط فضای بزرگ و گسترده، معناداری، شور و شوق خودویژه را در قصه وارد میکنند. فضاء توسط اهمیت فعالیت در حال اجراء ارزیابی میشود» (فنون شاعری ادبیات قدیمی روسی، ص ۳۸۶).

«در قصه های جادویی قهرمان اصلی یاریگران شگفت انگیز دارد. به طور مثال، در حومه شهر شاهزاده ایوان^۱ پیرزنی را ملاقات میکند که از قبل همه افکار غم انگیز او را میشناسد و کمک میکند بار سفر را ببندد و اشاره میکند که کجا اسب پهلوانی و ساز و برگ را بدست بیاورد؛ در مزرعه پاک او همراهان آینده را ملاقات میکند یا با لشکر خارجی مبارزه میکند. در جنگل انبوه در کلبه روی پاهای مرغ پیرزن جادوگر بابا یاگا^۲ زندگی میکند که به شاهزاده راه را نشان میدهد. کنار رودخانه آتشین پهلوان ایوان مدودکو با مرد به اندازه ناخن و روی پل کالینوف^۳ با اژدهای چندسره تن به تن میجنگد. کنار ساحل دریاچه یا دریا ملاقات با همسر در پیش است. چنین فضای قصه ای جزو داستان میشود. زمان هنری قصه جادویی به دو گروه تقسیم میشود: زمان سفر و زمان رویدادها» (قصه عامیانه روسی، ص ۳۹-۴۰).

«قصه جادویی دارای دو نوع قهرمان اصلی میباشد: شاهزاده ایوان قهرمان سوژه های سحرآمیز و قهرمانی "سه پادشاهی"^۴، "پادشاه استخوانی جاوید"^۵، "سیب های زندگی بخش"^۶ و ایوان احمق^۷ بعنوان قهرمان قصه های شبیه "سیوکا بورکا"^۸، "حلقه سحرآمیز"^۹، "هدایای جادویی"^{۱۰}، "کره اسب قوزپشت"^{۱۱} و غیره. وجود انواع مختلف قهرمانان از حیث خصیصه های ذوقی و تاریخی را در بر میگیرد و خصیصه آخر با گرایش آشکار ساختن همه جانبه آرمان همه مردم تبیین میگردد» (همان، ص ۴۵).

۶-۲- قصه های اجتماعی

«مسمای قصه های اجتماعی (یا "قصه های زندگی روزمره و اجتماعی") در واقع ویژگی این گروه از گونه های قصه ها را تبیین میکند، چراکه در مقایسه این نوع قصه ها با قصه

^۱- Ivan-Tsarevich

^۲- Baba Yaga

^۳- Kalinof

^۴- Tri Tsarstva

^۵- Kashchey Bessmertniy

^۶- Molodilniye yabloki

^۷- Ivan Durak

^۸- Sivka Burka

^۹- Volshebnoye Koltso

^{۱۰}- Chudesniye Dary

^{۱۱}- Koniok-Gorbunok

های جادویی و قصه‌ها درباره حیوانات؛ قصه‌های اجتماعی به واقعیت حقیقی و مسائل زندگی روزمره و اوضاع اجتماعی روستاها در اواسط قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم نزدیک است. از حیث محتوی، قصه‌های اجتماعی بسیار متنوع هستند. آنها شامل قصه‌ها درباره راهزنان و دزدان، حل خردمندانه معماها، تحمیق شیاطین، کشیش، ارباب و افراد تنبل و مسامحه کار میباشند.

اصالت چنین قصه‌هایی مثل موضوعات آنها، متنوع اند، قصه‌ها درباره نصیحت‌های خردمندانه به آیینهای قدیمی و رسوم عقد نکاح بر میگردند، منشأ قصه درباره ویژگی‌های احمق‌ها و دزدها در اجتماع بوده است و دیگر قصه‌ها عمدتاً پیرامون اربابها و کشیشها ناشی از اختلافات اجتماعی بوجود آمده‌اند. با این حال، آنها را میتوان به یک گروه از گونه‌های ادبی، که براساس اصول یگانه و انعکاس واقعیتها، ماهیت ویژه از حالت‌های هنری را شکل میدادند، اطلاق نمود» (قصه عامیانه روسی، ص ۹۱).

«رخداد قصه اجتماعی در اوضاع عادی برای کشاورز روی میدهد. کلبه روستایی، ملک اربابی، جنگل، مزرعه دور روستا، شهرستان نزدیک با مسافرخانه‌ها، مغازه‌ها، بازار زمینه روزمره رویدادها را تشکیل میدهند. آغاز معمولی قصه‌ها اینچنین است: عبارات مانند "در روستایی"، "در جنگلی" بدان معنی است که همه رخدادهای بعدی در حدود "یک روستا" اتفاق خواهند افتاد. با شرح دادن فضای هنری قصه اجتماعی ما باید نه راجع به تخیلات آن فضاء بلکه شرط بودن آن صحبت کنیم. این شرط بودن وسیله طبقه بندی آن رویدادها میشود که توسط نقل بیان میشوند. در قصه همیشه دقیقاً وابستگی اجتماعی و طبقاتی قهرمانان (سرباز، مرد کولی، کارگر مزدور، کشاورز) ذکر میشود.

در قصه نه تنها گرایش دموکراتیک ذکر میشود. خود ذکر وضع اجتماعی و مالی شخصیتها ویژگی معروف معلل به تصورات ثابت مردم است. کشاورز، دهقان مزدور و پیشه‌ور (کوزه‌گر، نجار، خیاط) همیشه بعنوان زحمتکش‌ان واقعی و کارشناس و قدردان از کار خود توصیف میشوند. دهقان مزدور همه دستورات ارباب را انجام میدهد اگر هم دستوراتی هرچه نامعقولی باشند. ارباب به کار آهنگر نگاه میکند. اما زحمتکش‌ان مجبور میکنند به آنها حقوق شایسته را پرداخت کنند. ضمناً عقل و زرنگی یگانه روشهای اصلی در سر راه مبارزه احقاق حقوق و ادعای اعتماد به نفس میشوند.

سیماهای قهرمانان بد از جمله سیماهای ارباب، کشیش، همسر احمق و بیوفا و مرد جوان احمق طبق ویژگی اصلی و تعیین ویژگیهای اولویت متکی هستند. جهالت، حرص، حماقت،

تنبلی بعنوان ویژگیهای اصلی آنها به درجه نهایی منفی خود رسیده اند که در اثر آن شخصیتها بصورت مسخره آمیز ظاهر میشوند. تصویر هجوآمیز دشمنان طبقاتی یعنی اربابها و کشیشها، تمسخر به عیوب انسانی اصول زیبایی شناسی قصه های اجتماعی میباشند. براساس وحدت موضوعی، شباهت انواع قهرمانها، قصه های اجتماعی به گروههای سوژه های ذیل تقسیم میشوند: "درباره پاسخهای خردمندانه"، "درباره راهزنان و دزدها"، "درباره اربابها و کشیشها" و "درباره احقان و تنبلها" و "درباره زنان پرخاشجو" (همان، ص ۹۲-۹۴).

۶-۲-۱- قصه ها درباره پاسخهای خردمندانه

«از نظر ماهیت قصه درباره پاسخهای خردمندانه، معماگویی و معماگشایی به قصه های جادویی نزدیک هستند. در حقیقت، دستورهای شاه یعنی پیدا کردن خوک پشم زر یا مرغ افروز پر یا مادر ربوده نیز بگونه ای معماست: قهرمان آن را از طریق سیستم پیچیده اعمال حل میکند. سوژه های قصه های اجتماعی بر مبارزه گفتاری متکیند. آنکس پیروز میشود که میتواند برای شریک معما حل نشدنی را در بیاورد یا برعکس بدرستی معما را حل کرد» (همان؛ ص ۹۴). محققان توصیه میکنند «ریشه های قدیمی معماهای به شکل پرسش را در مراسم کشاورزی زمستان و بهار جستجو کرد» (معما در قصه، ص ۱۳۸).

۶-۲-۲- قصه ها درباره دزدها و رهزنان

الف) قصه ها درباره دزدها: «قصه ها درباره دزدها با قصه های درباره راهزنان متفاوت هستند. در قصه دزد مرد باهوش است که با چابکی مال ارباب و قاضی، ژنرال و حتی تزار را میدزدد. خود دزدی به یک بازی قرعه کشی مبدل میشود: دزدیدن بهترین اسب نر، جعبه، ارزن و همسر ارباب از ارباب و غیره. دزد، پس از اینکه مردهای روستایی را مجبور کرد که گاونر پیسه گاونر سیاه را خورد، نگهبانان را با شراب نوشانده و به لباس شیطان پوشیده، همه چیزی را که به آن نشان میدهند، با خودش میبرد. همزمان اعمال دزد انگیزش اجتماعی دارند. پسر کشاورز جرأت میکند به دزدیدن دست بزند زیرا که او فقیر است و برای پدر و مادر چیزی خوردنی ندارد. دزدی گونه اعتراض اجتماعی میشود» (قصه عامیانه روسی؛ ص ۹۹). هنگام فرو رفتن در فکر از چه کسی میتوان دزدید، دزد به اسم ماتروخا^۱ اظهارنظر میکند: «زن بیوه فقیر و زحمتکش است پس بهتر است که پیش ژنرال ثروتمند برویم». (قصه های عامیانه روسی، ج ۳، ش ۳۸۶).

^۱ - Matrokha

ب) **قصه‌ها دربارهٔ راهزنان:** «لازم به توضیح است که تعداد سوژه‌های دربارهٔ راهزنان اندکی است. قصه‌ها مانند قصه‌های دربارهٔ سربازی که تزار (مثلاً پیوتر یکم) را از دست راهزنان نجات می‌دهد و دربارهٔ دختری که با راهزن خواستگاری شده، معروف‌ترین قصه‌ها هستند. این قصه‌های متأخر هستند اما قطعاً وارد تعداد قصه‌های روسی شدند. موضوع راهزنی در گونه‌های متنوع فولکلور منجمله در ترانهٔ تاریخی و غزلی ("ای مادر بیشه سبز، سرو صدا نکن"، "باج و خراج" و در درام عامیانه "قایق") بازتاب یافته است که در آنها راهزنی بعنوان ابراز اعتراض اجتماعی با پشتیبانی مردم روبرو میشود. در قرون هیجدهم و نوزدهم هنگامی که شورشهای مردم شکل سازماندهی شده میگیرند راهزنی مثل مصیبت اجتماعی تلقی میشود. شعسرایی با تقبیح عوض میشود. این دیدگاه در منظومه‌ها ("خواهر و برادران راهزنان"، "همسر مرد راهزن" و در قصه مردمی منعکس گردیده است. در قصه راهزنان متجاوزان وحشی قلمداد شده‌اند. آنها عابران را گول میزنند، اموال کشاورزان را غارت میکنند، دختران را میبرند. سرباز باهوش یا دختر شجاعی که از روی اتفاق در پاتوغ جنگلی میافتند راهزنان را فاش میکنند. جزای راهزنان عادل است» (قصهٔ عامیانهٔ روسی، ص ۹۹)

۶-۲-۳- قصه‌های هجوآمیز ضد اربابها و کشیشها

«خصلت اجتماعی بطور نمایان در قصه‌های هجوآمیز ضد اربابها و کشیشها دیده میشود که توسط فولکلورشناسان شوروی بطور همه جانبه مورد مطالعه قرار گرفته‌اند» (قصهٔ هجوآمیز روسی، ص ۲۹۰). در اوایل دههٔ ۳۰ میلادی سوکولوف به چاپ سری قصه‌های هجوآمیز مشغول میشود. در سال ۱۹۳۱ قصهٔ "کشیش و مرد روستایی" و در سال ۱۹۳۲ "ارباب و مرد روستایی" منتشر میشوند. محقق سوکولوف^۶ در پیشگفتار به مجموعهٔ دوم مینویسد: «هدف این مجموعه مثل هدف کل سری نشان بدهد که فعالیت قصه گویی هیچ وقت غیرسیاسی نبود که برعکس، آن امیدها و آرزوهای توده‌های مردم (اکثراً توده‌های کشاورزان) را اظهار میکرد، یکی از ابزارهای مبارزهٔ سخت طبقاتی بود که بیشتر عقیدهٔ محیط زحمتکشان و کشاورزان را تشکیل میداد» (قصه‌ها دربارهٔ ارباب‌ها، ص ۷).

^۱ - Ne Shumi Mati, Zeliunaya Dubrava

^۲ - Pravezh

^۳ - Lodka

^۴ - Sestra i Bratiya Razboyniki

^۵ - Zhena Razboynika

^۶ - Sokolov

۶-۲-۴- قصه ها درباره احقها و تنبلها

قصه درباره احمق مطلق که بدنبال نصیحت مادر یا همسرش با تمسخر مردم نادان از کار و زندگی کشاورزی را منعکس میکنند: مادر یا همسر نصیحت میدهند که احمق "برود نزد مردم و عقل بگیرد"، به مردهای کشاورز امکان نمیدهد که نخود را آسیابی کنند، "از اول پیش این فرد و بعداً پیش آن فرد میرود" (قصه های عامیانه روسی، ج ۳، ص ۴۰۳)؛ به مرد کشاورزی که چاودار را کشت میکند، بجای گفتن آرزوی "میبری و نمی بری، حمل میکنی و نمی کنی"، "کشت میکنی و کشت میکنی اما هیچگاه کشت نمیکنی" را میگوید و در مراسم تشییع جنازه با صدای بلند میگوید: "حمل میکنید و حمل نمی کنید..." و در جشن عروسی آواز میخواند "خاطره جاوید باد!"، کنار انبار در حال سوختن پایکوبی میکند و غیره (قصه ها و ترانه های منطقه بلوزرסקی، ص ۱۸).

۶-۲-۵- قصه های درباره زنان پرخاشجو و لجباز

قصه های درباره زنان پرخاشجو و لجبازی که خلاف کسی عمل میکنند، فراوان هستند. «شوهر خواهش میکند نانهای روغنی را بپزد و زنش جواب میدهد: «تو، دزدی، شایسته نانهای روغنی نیستی!» (قصه های عامیانه روسی، ج ۳، ص ۴۳۳).

۶-۳- قصه های حیوانات

«قصه های روسی درباره حیوانات یکی از قدیمیترین گونه های فولکلوریک میباشند. خود دنیای حیوانات میتواند جالب باشد، اما در قصه ها، این دنیا را روح بخشیده و پر از تصورات انسانی بوده است. دنیای حیوانات بعنوان شکلی از بیان افکار و احساسات و جهان بینی انسان میباشد. حیوانات گوینده که مثل مردم رفتار و فکر میکنند، ویژگی شرطی بودن، شکل نظم شعری میگیرد که به گونه ای دقیق، جهان بینی را مساعدت میکند» (قصه عامیانه روسی، ص ۷۱).

در قصه های روسی، داستانهای پیرامون پیدایش پرندگان و حیوانات، روابط ازدواج بین حیوانات و مردم، اساطیر جانوران توتمی^۱ در هم آمیخته شدند. بطور مثال، محققان قصه درباره خرس زیرفون پای^۲ که با ترانه تهدیدآمیز "جیرجیر کن، پای من، جیرجیر کن، پای زیرفون من" (همان، ج ۱، ص ۵۷) با قصد انتقام گرفتن از پیرمرد و پیرزن میرود، از رسوم خوردن اعضای بدن حیوان مقدس در میآورند. قصه ها درباره حیوانات بعنوان آمیختگی

^۱ - Totem

^۲ - Medved – Lipovaya Noga

مربک از عناصر گوناگون و زمان متفاوت میباشند. بازتابهای باورهای اولیه با مشاهدات زنده بر عادات حیوانات و پرندگان همراه هستند. مثلاً شکارچیان خیلی وقت پیش متوجه شده بودند که «روبه لانه را برای خودش میسازد و قتیکه نزد لانه اش کسی دیگر باشد که آن لانه را میتواند بدست بیاورد (یادداشت های شکارچی طبیعت شناس، ص ۱۳۱)»؛ «در قصه ها روبه نیز همیشه قصد بدست آوردن محل سکونت دیگران از جمله خانه گرگ، خرگوش و بز دارد. بنمایه های زیاد در قصه بدون شک از "داستانهای شکارچیان طبیعتدان" گرفته شده اند. بنمایه های "ماهی گیری با دم"، "روبه خود را به مرده میزند" اینگونه هستند. سلسله سوژه های قصه های مانند "روبه توبه کننده"^۱ و "قصه درباره یرش یرشویچ"^۲ نسخه اصلاح شده داستان های مکتوب قرون هیفدهم و هیجدهم شد» (قصه عامیانه روسی، ص ۵۲-۶۸؛ قصه عامیانه روسی، ص ۷۳-۷۶).

بنابراین، تعاملات حیوانات گوینده و اندیشمند ماهیت تخیلی این گروه قصه ها را تشکیل میدهند. از همین جا پیداست که دایره اشیاء و پدیده های مصور صرف نظر از جنبه های بارز زندگی بعنوان داستان تخیلی پذیرفته میشود. «روزی گربه و گوسفند و خروس باهم زندگی میکردند. گربه و گوسفند حرکت کردند، روبه بلافاصله زیر پنجره پیش خروس آمد و گفت: "خروسی، خروسی شانه طلایی..." خروس از پنجره نگاه کرد و روبه او را ربود. در طی راه خروس بانگ میزد: «گربه، گوسفند! روبه من را پشت کوههای سرکشیده و جنگلهای انبوه میبرد». گربه و گوسفند شنیدند، برگشتند و خروس را پس گرفتند» (قصه های عامیانه روسی، ج ۱، ص ۳۸). «شرطی بودن قصه ای با بیان احساسات شدیدتر میشود. رویکرد طنزی نسبت به شخصیتها حتی به رویدادهای مهیج (مرگ خروس، بزغاله ها و روبه) جنبه افسانه خنده آوری میبخشد، پایانهای تهدید کننده به نصیحت سبک تبدیل میشوند ولی در مورد بیانیه حماسی که طبق آن مرگ شخصیتها مثل یک رخداد طبیعی و عادی در این دنیا قلمداد میگردد» (قصه عامیانه روسی، ص ۷۴).

«شخصیتهای قصه ها حیوانات وحشی و خانگی از جمله خرس، گرگ، خرگوش، روبه، سگ، گربه، بز، اسب و همچنین پرندگان، ماهیها و حیوانات هستند. هر یکی از شخصیتها یک سیمای حیوان یا پرنده مشخص است. مشخصات شخصیتها مبنی بر مشاهدات رفتارها و صورت ظاهری حیوان است. چنین ویژگی همیشه ارزیابی است و از دیدگاه انسان تعیین

^۱ - Lisa – Ispovednitsa

^۲ - Skazka o Yershe Yershoviche

میشود. بطور مثال، سگ بعنوان حیوان زیرک و وفادار نسبت به انسان توصیف میشود و در سرشت گربه تنبلی دیده میشود اما خروس خودپسند، سبک وزن و جیغ جیغو است. حیوانات وحشی در مقابل حیوانات خانگی و انسان قرار میگیرند. چنین ارزیابی به ویژگیهای عمومی میرسد، انحرافهای مشهور تصورات واقعی اخلاق این یا آن حیوان را توضیح میدهند (همان، ۷۵). بطور مثال، شکارچیان گرگ را حیوان حيله گر و خطرناک میشناسند اما در قصه او همیشه کودن و زودباور قلمداد میشود: «روباه کره خامه ای را از او میدزد، خانمها او را با طوقهای چوبی سطل کتک میزنند. در قصه گفته میشود: "گرگ احمق است» (قصه های عامیانه روسی، ج ۱، ص ۵۵).

حیوانات خانگی وقتی که دچار مشکلات میشوند بگونه ای دیگری، رفتار میکنند. در کلبه جنگل گاوانر، گوسفند، خوک، غاز و خروس سکنی گزیدند. روباه متوجه شد که آنها در آنجا هستند "میخواست خروس را که با میلش بود، بخورد اما چطور میشود آن را به چنگ آورد؟ پس روباه به دامن نیرنگها دست زد، پیش گرگ و خرس رفت و گفت: «خب، دوستان عزیز من، برای همه شماها خورک لذیذی را پیدا کردم: برای تو، خرس گاوانر را، برای تو، گرگ گوسفند را و برای خودم خروس را پیدا کردم»... روباه آنها را نزدیک کلبه آورد. روباه به خرس میگوید: «عزیزم، در را وا کن! اولاً من میروم و خروس را میخورم». خرس در کلبه را باز کرد و روباه داخل کلبه پرید. گاوانر او را ناگهان دید و بیدرنگ به دیوار با شاخ فشرد و گوسفند شروع کرد از پهلوی بزند و روباه جان داد» (همان، ص ۶۴). گرگ و خرس به همین سرنوشت دچار میشوند.

در قصه "روباه ماما" (همان، ص ۹) گرگ صاحب خوش قلب، وفادار به خانه و کندفهم است. بازهم او باعث دلسوزی نمیشود زیرا که پشت توصیفها تصور متداول درباره او مثل حیوان درنده خشن وجود دارد.

غالباً در قصه ها اثر غیر منتظره بودن بکار میرود. خرس و گرگ از صدای غرش گربه ترسیده میشوند، خروس روباه را از کلبه بیرون میکند. فقدان منطق از اصل و ریشه تصور رایج در مورد سیمایها و ماهیت روابط متقابل شخصیتها را تغییر میدهد و موجب تمسخر خنده دار دشمنان یعنی خرس، گرگ و روباه میشود و مجبور میکند روابط بین قوی و ضعیف را بازنگری کند» (قصه عامیانه روسی، ص ۷۸).

«فراوانی شخصیتهایی که در اوضاع متفاوت خودشان را بطور مختلف جلوه میکنند، محتوی فکری قصه ها را انبساط مینماید و از اخلاقگرایی، درک تک بعدی سیمایها و مناقشات انحراف

می‌کند و از این لحاظ از افسانه‌های دارای قاطعیت برآوردها و روشهای آموزنده بسیار بارز متمایز می‌سازد. قصه‌های هجوآمیز دربارهٔ حیوانات وارد شده فولکلور در عصر روابط طبقات تشکیل یافته به کنایهٔ استعاره آمیز نزدیک میشوند. این گروه قصه‌ها شامل قصه‌هایی مانند "روبه توبه کننده"^۱، "گره صاحب جنگلهای سیبری"^۲، "عقاب و کلاغ"^۳، "دربارهٔ یرش یرشویچ"^۴ که پدیده‌های زندگی اجتماعی و بیشتر مسائل کشتی سازی را در مرکز توجه قرار می‌دهد. اکثریت قصه‌های هجوآمیز به داستانهای مکتوب قرون هیفدهم و هیجدهم بر میگردد. در بیان کتابهای ادبیات عامه پسند شفاهی داستانها تعبیر واقعی عامیانه را پیدا کردند و ضمناً شکل و سبک قصه‌های سنتی دربارهٔ حیوانات را بخود گرفتند» (همان، ص ۷۸-۷۹).

قصهٔ "روبه توبه کننده" (همان، ص ۱۵) هجو بارز برای توبه و محاکمهٔ کلیسایی است. روبه خروس را با محبت بخود میکشاند: «الان قشنگ پدرت را در می‌آورم!». سیمای روبه به آسانی روشن میشود. توصیفات او با توصیفات مردمی روحانیان مطابقت دارد که در انواع زیادی ترانهٔ هجوآمیز، قصهٔ اجتماعی، بازیهای جشن مشاهده میشود.

۷- نتیجه گیری

قصهٔ عامیانه به انواع قصه‌های کهن گفته میشود که به صورت شفاهی یا مکتوب در میان اقوام گوناگون از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است، قصهٔ عامیانه انواع متنوعی است از اساطیر، قصه‌های جادویی و نیز قصه‌های مکتوبی که موضوعات آن از فرهنگ قومی گرفته شده است، قصه‌های عامیانه برای ما جهان گسترده‌ای را می‌گشایند، اعتقادات و افسانه‌ها در قدیم، بیانگر طرز زندگی مشترک ایرانیان و اقوام اسلاوی باستان می‌باشند. تمام قصه‌های جهان معمولاً به سه گروه یعنی قصه‌های سحر و جادو، قصه‌های دربارهٔ حیوانات و قصه‌های اجتماعی تقسیم شده‌اند.

از لحاظ مضمون قصه‌های ایرانی به گروههای ذیل طبقه بندی میشوند: حیوانات، جادویی، قصه‌هایی که مانند داستان کوتاها، قصه‌های مربوط به اولیاء و مقدسین و قصه‌های تاریخی، قصه‌های دیو ابله، قصه‌های شوخی، قصه‌های زنجیره‌ای. اما قصه‌های روسی طبق رسم متداول به سه گروه طبقه بندی میشوند: جادویی، دربارهٔ حیوانات و اجتماعی.

^۱ - Lisa-Ispovednitsa

^۲ - Kot – khoziain Sibirskikh Lesov

^۳ - Oriol i Vorona

^۴ - O Ershe Ershoviche

قصه های اجتماعی به انواع ذیل تقسیم میشوند: درباره پاسخهای باخرد، درباره راهزنان و دزدها، درباره اربابها و کشیشها و درباره تنبلها و احمقها و درباره زنان پرخاشجو و لجباز. ضمناً قصه های زیادی بصورت بیان نقل قول رخدادها و متنوع طیفهای انسانی وجود دارند که ویژگیهای همه گروهها یعنی بطور مثال، قصه های جادویی و مسائل معیشتی گروههای اجتماعی را در بر میگیرند.

با اتکاء به تجزیه و تحلیل مقایسه بین قصه های عامیانه فارسی و روسی (اسلاوی) میتوان ویژگیهای ملی آنان را شناسایی کرد. در نگاه اول، قصه های ایرانی و روسی از لحاظ سوز، کارکردهای شخصیتهای اصلی و موضوعات شباهتی بیش از حد دارند اما در عین حال هرکدام از آنها اصالت ملی خود را حفظ میکند.

از این رو، ویژگیهای موجود قصه ها، بازتاب طبیعی تفاوتهای سبک زندگی، زندگی و فرهنگ مردم روسی و ایرانی که این قصه ها را سروده و یادداشت کرده بود، میباشد. ضمناً آگاهی به ویژگیهای ملی قصه های فارسی و روسی به گسترش و ارتقاء زبانشناسی دانشجویان زبانهای فارسی و روسی مساعدت میکند.

منابع و مأخذ

- ۱- انجوی شیرازی، سیدابولقاسم، قصه های ایرانی، جلد ۱، ۱۳۹۳
- ۲- پراپ، ولادیمیر، ریخت شناسی قصه های پریان. ترجمه فریدون بدره ای، ۱۳۶۸
- ۳- درویشیان، علی اشرف؛ خندان (مهابادی) رضا، فرهنگ افسانه های مردم ایران، جلد ۱، ۱۳۷۷
- ۴- حسن زاده، علی رضا، افسانه زندگان. بیست و سه گفتار در بررسی مردم شناختی قصه های عامیانه ایران، جلد ۱، ۱۳۸۱
- ۵- خدیش، پگاه، ریخت شناسی افسانه های جادویی، ۱۳۸۷
- ۶- مارزلف، اولریش، طبقه بندی قصه های ایرانی. ترجمه کیکاووس جهانداری. چاپ دوم، ۱۳۷۶
- ۷- میرصادقی، جمال، عناصر داستان، جلد ۳، ۱۳۷۶
- ۷- آلکسییوا، قصه های عامیانه روسی، جلد ۱، ۱۹۸۷
- ۸- آنیکین، قصه عامیانه روسی، ۱۹۵۹
- ۹- بختین، قصه اجتماعی روسی، ۱۹۸۷

- ۱۰- پومرانتسوا، قصه عامیانه روسی، ۱۹۶۳
- ۱۱- تودوروفسکایا، درباره طبقه بندی قصه های جادویی، №۲، ۱۹۶۵
- ۱۲- چرکاسوف، یادداشت های شکارچی طبیعت شناس، ۱۹۶۲
- ۷۱۳- سوکولوف، فولکلور روسی، شماره ۲، ۱۹۳۰
- ۱۴- سوکولوف، قصه ها درباره ارباب ها، ۱۹۳۲
- ۱۵- سوکولوف، فولکلور روسی، ۱۹۴۱
- ۱۶- سوکولوف، قصه ها و ترانه های منطقه بلوزرسکی، ۱۹۱۵
- ۱۷- قصه های عامیانه روسی به قلم آفاناسیف، جلد ۱، ۱۹۵۷
- ۱۸- قصه های عامیانه روسی به قلم آفاناسیف، جلد ۲، ۱۹۵۷
- ۱۹- قصه های عامیانه روسی به قلم آفاناسیف، جلد ۳، ۱۹۵۷
- ۲۰- کروگوف، قصه های عامیانه، جلد ۱، ۱۹۹۲
- ۲۱- کولسنیتسکایا، معما در قصه، شماره ۱۲، ۱۹۴۱
- ۲۲- لیخاچیوف، فنون شاعری ادبیات قدیمی روسی، ۱۹۷۱
- ۲۳- مولدافسکی، قصه هجوآمیز روسی، ۱۹۵۵
- ۲۴- نیکیفوروف، قصه، وجود و راویان قصه، ۱۹۳۰
- ۲۵- ودرنیکوا، قصه عامیانه روسی، ۱۹۷۵